



بررسی فقر و نابرابری های اجتماعی در حاشیه شهر مشهد و نقض هنجارهای حقوقی جامعه

نازیلا دباغ^۱، جلال نیک^۲

۱-مدرس دانشگاه، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

۲- حقوقدان، رئیس شورای شهرک صنعتی مشهد

چکیده

امروزه مسئله آسیب های اجتماعی یک تهدید بزرگ برای جامعه و خانواده ها حساب می شود که با نگاه سطحی و گذرا میتوان به عمق فاجعه این پدیده شوم پی برد که عوامل مختلفی در بوجود آمدن این مسئله و موضوع دخیل است. اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پایبندی به قوانین را ایجاد می کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد. فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می گیرد. آسیب اجتماعی، نوعی بی نظمی است که چالشی برای ارزش های محوری جامعه است و در بستر جامعه و متأثر از نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به مسائلی نظیر بیکاری، تکدی گری، فقر، طلاق، اعتیاد، خودکشی و... منجر می شود.

کلید واژگان: آسیب های اجتماعی، فقر، شکاف طبقاتی، حقوق جامعه، انحرافات اخلاقی